



پیام غدیر

واقعۀ غدیر خم، تنها یک حادثۀ زمانی مربوط به گذشته نبود، بلکه پیامی برای همه مسلمانان و همه دوران‌ها داشت، تا امامت علوی را سرلوحه زیستن خود قرار دهند پیام غدیر را می‌توان چنین ترسیم کرد:

« غدیر» علی (ع) ، هنوز هم چشمه‌ای لبریز از آب حیات و دریایی موج از کرامتها و هدایتهاست.

« غدیر » دریایی از باور و بصیرت، در کویر حیرت و هامون ضلالت است، تا کام جانها از آن سیراب شود.

آن روز که رسول خدا (ص) در حرای حق به نبوت مبعوث شد، فرمان نجات و سعادت انسانها را در کف داشت، آن روز هم که در پهنه غدیر و در جمع حاجیان برگشته از زیارت خانه خدا، به خطبه خوانی پرداخت، باز در اندیشه هدایت امت و تضمین سعادت آنان بود. این است که غدیر، حلقه میانی « رسالت » و « امامت » است. از سویی به « بعثت در حرا » وصل می‌شود از سوی دیگر به « شهادت در کربلا » پیوند می‌خورد و فاصله میان حرا تا کربلا را ، دریایی از باورهای پاک و هدایت‌های آسمانی پر کرده است که در « غدیر » ، تجسم یافته است.

دریای غدیر، از ریزش آبشارگون وحی بر جان محمد (ص) لبریز است و قامت دین در زلال « غدیر خم » انعکاس می‌یابد.

غدیر، یک کتاب مبین است، سندی برای تداوم خط رسالت در جلوه امامت و صراطی است مستقیم که به سنت پیامبر منتهی می‌شود.

آمتی که پاسدار غدیر باشد، عاشورهای مظلومیت و کربلاهای خون و شهادت را شاهد نخواهد بود و ولایت در محاق غربت و تنهایی نخواهد ماند.

دریغ و صد دریغ، که کوردلان و خفاشان به تابش خورشید دل و دیده نسپارند و به تیرگی و ظلمت خو کنند و همچون گله‌ای بی چوپان باشند و راهی بی راهنما و شبی بی چراغ و کشتی بی ناخدا و دشت بی چشمه و کویر بی آب...

قافله‌ای که از زیارت بر می‌گشت و راهش خق بود و بارش ایمان و مقصدش « الله » وقتی به غدیر خم رسید، چشم به افقی دوخت که پیام هدایت داشت و دستی را دید که خورشید را فرا دست برد و به همگان نشان داد و گوش امت به دهانی بود که از وحی و غیب می‌گفت و به خدا وصل بود و دامن دامن معرفت برای بندگان خدا هدیه می‌داد و خرمن خرمن کرامت و معنویت، پیش پایشان می‌ریخت، تا از وسوسه‌های نفس و تلبیس ابلیس و فریب نفاق، رها شوند و همچنان « عبد خدا » و « مطیع رسول » بمانند.

ولی ... مگر شیطان می‌گذارد که بندگان خدا، راه بندگی را بی دردسر بپیمایند و به مقصد برسند؟

خطبه حضرت رسول (ص) در آن دشت سوزان، آب گوارایی برای روحهای عطشناک بود که می‌رفت تا همیشه تاریخ را سیراب سازد، اما مگر گذاشتند که این زلال گوارا، به جانهای تشنه برسد؟!

رسول خدا، می‌خواست دست « امت » را در دست « امام » بگذارد، تا نه گمراه شوند و نه سرگردان، نه تشنه بمانند و نه در دام نفس بیفتند.

این بود که منشور بلند و جاودانه « خطبه غدیر » را سرود و به گوش تاریخ سپرد. مردم نیز ، پیمان‌ها بستند و تریک‌ها گفتند و قولها دادند. اما تاریخ نشان می‌دهد که آن عهدها شکست و آن پیمان‌ها از یاد رفت. افسوس که گروهی از امت، در کلاس درسهای نبوت و وحی، مردود شدند و آن همه « یاد » ها را به « نسیان » سپردند ... هزارت دست بیعتگر کجا رفت؟

وفا با آل پیغمبر کجا رفت؟

اگر مولی « ولی » می‌شد، چه می‌شد؟

خلیفه ، گر « علی » می‌شد ، چه می‌شد؟

ولی ... خاتم دوباره بی‌نگین شد

عدالت با علی، خانه نشین شد.

اینک ماییم و علی (ع)، که غدیر خم را از دریای فضایلش به موج نشانده است.

علی (ع) برگزیده محمد (ص) نبود بلکه منتخب خدا بود، پیامبر اکرم ، تنها مامور ابلاغ پیام آسمانی بود (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) و اگر در آن نیمروز داغ، آن پیام را نمی‌رساند، رسالت الهی را به انجام نرسانده بود

اینک ماییم و غدیر، که مرانامه مکتب ما و محور وحدت ما و چراغ راهمان و راه زندگیمان است.

گرامیداشت غدیر، تکریم رسالت پیامبر و وحی خدایی است.

تکریم غدیر، ارج نهادن به فضیلت‌های متبلور در وجود صاحب ذوالفقار و ساقی کوثر است.

بها دادن به غدیر ، ادی احترام به تکمیل دین و اتمام نعمت و کاشتن بذر ولایت در جان هاست نشان دادن خورشید به گرفتاران در ظلمت هاست . عید گرفتن غدیر، ارج نهادن به کرامت انسان است ، چرا که غدیر، عید عدالت و رهبری، عید کمال طلبی و حق چوبی، عید شعله افکنی بر اندیشه ها و امید آفرینی در دل هاست. غدیر ، روز بشریت و روز « انسان» است ، عید « پیمان » و « میثاق» و « عهد» است. آیا دریغ نیست که بشریت، علی را نشناسد و درک نکند و از زمزمه زلال « علی شناسی» سیراب نشود و دامن مهر در این دریا نشوید و چراغ راه از این فروغ الهی نجوید؟!....

رسالتی را که رسول در غدیر خم انجام داد، اطاعت امر خدا بود. و حج آن سلا، گرچه به « حَجَّ الوداع» شهرت یافته است، لیکن در گذشته های دور و در متون کهن، از آن به « حجت الابلغ» هم تعبیر شده است، که اشاره به همین فرمان « بَلِّغْ » است که نازل شد و چون ابلاغ انجام گرفت ایه « اکمال دین» فرود آمد و حجت تمام شد و صراط ، روشن گشت . راویان شیعه و اهل سنت، همه در کتابها نوشتند و در نقل ها آوردند. شاهدان، بارها برای اثبات حق، به « خطبه غدیر» استناد کردند. مولفان برای اینکه این حق روشن و مسلم انکار نشود، صدها سند برای غدیر و خطبه رسول و بیعت مردم آوردند و ثبت کردند . تا اگر « انصاف» در میان باشد و هدف، شناخت حقیقت باشد، نه انکار لجوجانه خورشید و نه کتمان حسودانه فضایل، و نه ستیز عنودانه با « ولی خدا» و « وصی رسول» ، به این اینه بنگرند ، آینه غدیر، که همه حقیقت در آن متجلی است. از این جهت ، بر این باوریم که « خطبه غدیره» حضرت محمد (ص) نیز، همچون خود غدیر خم مظلوم است و مورد بی مهری قرار گرفته است و جز چند جمله مشهور آن چندان مطرح نیست، در حالی که سزا و یجاست که این منشور جاویدان، هر چه دقیقتر و گسترده تر و پرشورتر، مورد توجه و مطالعه و شرح و تفسیر قرار گیرد. ارائه ترجمه ای از این خطبه، کمترین کار در این مسیر است تا چشم های بصیر، از درخشش حکمتها و پندها و تذکرها پر ارج این گنجینه معرفت، لذت ببرد و به تماشای « حقیقت ناب» بنشیند.

بر این باوریم که در ادای تکلیف نسبت به غدیر، قصور کرده ایم. می بایست « غدیر » را ، پیش از این چونان مشعلی فرا راه اندیشه های بشری قرار دهیم و دین پژوهان و حقیقت جویان را با فرهنگ ژرف نهفته در غدیر و خطبه رسول خدا و جامعه بشری را بدو چشمه فیاض و جوشان معرفت یعنی « قرآن و عترت» آشنا سازیم دو چشمه ای که یادگار پیامبر و میراث ماندگار آن رسول خاتم تا دامنه قیامت است و خود او پیروان و متمسکان به این هردو را که نام « ثقلین» بر آن ها نهاده است، ارج نهاده و سلامتش را از « ضلالت» تضمین کرده است.

آری... آری، حرف و پیغام « غدیر» این است:

آب، از سرچشمه باید خورد،

میوه را ازشاخه بای چید،

چهره را بی پرده باید دید.

قم- جواد محدثی